

یادداشت مصر علیه یهودیان به نفع کیست؟

(ترجمه)

ضیاء رشوان، رئیس اداره کل اطلاع‌رسانی مصر اعلام کرد که مصر «یادداشتی را پیرامون اقدامات اسرائیلی در سرزمین‌های فلسطینی به دیوان بین‌المللی دادگستری ارائه کرده است.» وی گفت که مصر در «نظر مشورتی درخواست شده توسط مجمع عمومی سازمان ملل از دیوان بین‌المللی دادگستری درباره سیاست‌ها و اقدامات اسرائیلی در سرزمین‌های اشغالی فلسطین از سال 1967م اشتراک خواهد کرد.»

کوه جنبید و موش زائید! بلاخره مصر وارد عمل شد و یادداشتی را به دیوان بین‌المللی دادگستری ارائه کرد که گویی این دیوان دادگستری می‌تواند برای یهود تصمیم لازم‌الاجراء را صادر کند! اگر تصامیم این دادگاه می‌توانست که یهود را مقید و یا مانع شود؛ رژیم مصر این یادداشت را تقدیم دادگاه نمی‌کرد. رژیم مصر به عنوان یک رژیم؛ نه تنها حامی رژیم یهود است؛ بلکه شریک جرم در جنایاتش علیه اهل ما در سرزمین مبارکه فلسطین می‌باشد. مصر کسی است که غزه را با دیوارهای بلند، مرزها و مناطق حائل محاصره و دخول کمک‌ها در آن را به تأخیر می‌اندازد و کسی است که در ویرانی شاه‌رگ حیاتی مردم غزه، یعنی تونل‌های آن شتافت و راه ورود کالاها را بر مردم غزه نابود ساخت. هیچ منفذ و راه‌خروجی برای غزه جز از طریق مصر و رژیم یهود باقی نمانده است، پس وقتی برادران‌شان آنان را محاصره کنند، دشمنان‌شان با آنان چه خواهند کرد؟!!

بدون شک در کسی که میان ما و اهل ما در سرزمین مبارکه مرزی بگذارد و دیواری بلند بنا کند، هیچ خیری وجود نداشته و از وی هیچ امیدی نمی‌رود. رژیم مصر پاسبان رژیم یهود و دشمن امت است. قبلاً یکی از ارکان ارتش وی به صراحت بیان داشت که هدف‌شان تأمین امنیت رژیم یهود است. بلی، همین‌هاستند که میان امت و ارتش‌های آن حائل شده و مانع ریشه‌کن نمودن یهود گردیده‌اند.

از اقدام مصر مبنی بر تقدیم این یادداشت اکنون دو چیز دانسته می‌شود:

اول) این امریکااست که برای فشارآوردن بالای رژیم یهود برای پذیرش راه‌حل دو دولت و ختم جنگ و قبول آتش‌بس موقت قبل از رمضان چراغ سبز نشان داده است. نظام حاکم در مصر صاحب‌تصمیم نبوده و به اراده خود حرکت کرده نتوانسته؛ بلکه اراده وی در گرو اراده سرورش، امریکااست؛ امریکایی که هراسان از آنست که مبادا با دخول رمضان حالت خشم و غضب ناشی از این جنگ به حالت انفجار برسد و گلیم این نظام‌های دست‌نشانده وی را برچینند و شاید سبب روی کار آمدن قدرتی شود که امریکا توان اجیر گرفتن و نفوذ بالای‌شان را نداشته باشد.

دوم: دیوان بین‌المللی دادگستری نهاد خیالی بوده که هیچ ارزشی نداشته و نظام‌های حاکم توسط آن با مردم خود بازی کرده و برای‌شان چنین وهم ایجاد می‌کنند که مطابق به قوانین بین‌الملل ادای مکلفیت می‌کنند؛ قوانینی که یهود هیچ‌گاه بدان‌ها ارج نگذاشته و نمی‌گذارد و جز ضعیفان بدان‌ها متوسل نشده و به هیچ وجه عدالت در حق‌شان رعایت نمی‌گردد. بنابر این، دیوان بین‌الملل و تمام نهاد‌های دولتی ابزاری بیش در دست غرب کافر برای مجازات مردم مستضعف در هنگام بیرون شدن از چارچوب قوانین‌اش نیستند؛ گذشته از این که تصامیم آن‌ها مشورتی بوده و لازم‌الاجراء نیست.

رژیم مصر خوب می‌داند که در این اقدامش هیچ خیری نهفته نیست؛ بلکه در صدد آنست که خشم و غضب مردم مصر و ارتش آن را در برابر این جنایت‌های یهودیان فروکش کند؛ به ویژه قهر و غضب فرزندان خشمگین ما در ارتش کنانه و شاید این رژیم برای آنان به دروغ بگوید که ما به مکلفیت خود مطابق به قانون بین‌الملل اداء کردیم؛ اگر این رژیم در سعی و تلاش خود صادق می‌بود، مرزهای خود را با سرزمین مبارکه کنار زده و ارتش کنانه را برای نصرت‌شان حرکت می‌داد. تمام راه‌حل‌ها و اقدامات غیر از این بیهوده و بی‌ارزش بوده و علیه یهودیانی که به این نهادها و تصامیم شان ارزشی قائل نیستند و می‌دانند که آن‌ها پروژه استعماری و پایگاهی پیشرفته برای غرب می‌باشند، تأثیری ندارد. غرب و در رأس آن امریکا، از رژیم یهود حمایت خواهد کرد، در این جنگ وی را تنها نخواهد گذاشت و سازمان ملل را از صدور تصامیمی علیه یهود باز خواهد داشت.

ناگفته نماند که خود تصامیم دادگاه صرفاً تصامیم مشورتی است که الزامی برای سازمان ملل برای عملی کردن اقداماتی علیه این رژیم غاصب ببار نمی‌آورد؛ حتی اگر الزام‌آور باشد، وتوی امریکا و غرب آماده حمایت از پروژه استعماری شان هستند. با آن که یهودیان علیه دیدگاه انحلال و حل قضیه فلسطین با امریکا به مخالفت پرداختند؛ اما خوب می‌دانند که امریکا در آنجا نیازمندان است. لذا هر آنچه که بخواهند انجام می‌دهند و می‌دانند که هرچه بکنند غرب پشت شان را خالی نکرده و همواره حمایت شان می‌کند. پس این خون‌های جاری، خون‌های مسلمانان بوده که در نظر غرب هیچ ارزشی نداشته و تنها چیزی که غرب از آن می‌ترسد، برانگیخته شدن احساسات امت با نزدیک شدن رمضان و در خود رمضان است که شاید منجر به انفجاری شود که غرب تصورش را هم کرده نتواند.

رفتن به این سازمان‌ها و نهادهای دولتی استعماری و به داوری طلبیدن شان؛ اعتراف ضمنی به تصامیمی است که از سوی آن‌ها صادر می‌شود؛ یعنی اعتراف و به رسمیت‌شناسی این رژیم مسخ و دادن حق موجودیت به عنوان یک دولت بر سرزمین فلسطین و برعکس آن و مهار کردن ارتش‌ها در چارچوب سازمان بین‌الملل است تا از سیاست‌هایی که این رژیم مسخ ایجاد کرده و تاکنون از آن حمایت می‌کند بیرون نشوند. چیز خطرناک‌تر اینست که این نهادها برای ادغام این رژیم و استواری آن در منطقه و پذیرفتن آن به عنوان یک واقعیت که پذیرش و تعامل با آن ضروری است کار و فعالیت کرده و این چیزی است که تمام امت مسلمه که مخالف عادی‌سازی روابط هستند، آن را نپذیرفته و هر قدر که حکام سازش و خیانت کنند، از موقف خود نزول نخواهند کرد. بنابراین، قضیه فلسطین قضیه تمام امت و مرکز بیداری آن باقی مانده و با مواقف مستحکم خود دشمن را از دوست جدا می‌سازد.

فلسطین هرگز توسط این سازمان‌هایی که غرب آن‌ها را اساساً برای حائل شدن میان امت و آزادی وی از تحت تبعیت‌اش ایجاد کرده آزاد و اهل ما در سرزمین مبارکه یاری نخواهند شد. اگر مسئله متفاوت و یا معکوس می‌بود، غرب منتظر تصامیم هیچ دادگاه و یا سازمانی نمی‌ماند و بدون کدام تراخی و انتظار کسب اجازه از این سازمان‌ها ارتش‌های خود را فوراً حرکت می‌داد و تمام تصامیمی که مانع حرکت و نقشه‌وی می‌شد، نادیده می‌گرفت؛ حتی اگر آن جنگ مبنای دروغین و ساختگی می‌داشت و این همان چیزی است که امریکا در عراق و افغانستان انجام داد و در هر جایی که امنیت ملی خود را به خطر ببیند، ممکن است بلافاصله و بدون انتظار تصامیم از این سازمان‌ها، این کار را تکرار کند.

قضیه فلسطین مرتبط به تمام امت بوده و قضیه محوری برایش بشمار می‌رود. اهل ما در سرزمین مبارکه فقط با تحریک ارتش‌ها نصرت داده خواهند شد، هر قدر که مردم فلسطین مقاومت کرده و جهاد کنند و هر قدر که پناهنده شوند و هر قدر که این سازمان‌ها به داوری طلبیده شوند - سازمان‌هایی که توان صدور تصمیمی را که برای غرب مضر تمام شود و یا منافع و سیادت آن را در

سرزمین‌های ما به خطر مواجه سازد، نداشته و فقط تصامیم این سازمان‌ها را دولت‌های پیرو و مزدور مانند نظام‌های حاکم در سرزمین‌های ما ملزم می‌شمارند- بازهم مشکل حل نشده و کار به جایی نمی‌رسد.

هدف رژیم مصر در پشت این یادداشت، تحمیل انزوا بر رژیم یهود، چنان‌که اهل رسانه و سخنگویان آن ادعا می‌کنند، نیست؛ زیرا این رژیم و حکام عرب اولین کسانی هستند که مانع این انزوا شده و رژیم یهود را با تمام اسباب زندگی کمک می‌کنند. پل زمینی که از بحرین تا امارات امتداد داشته و از سرزمین حرمین شریف عبور و اردن را پشت سر گذاشته و در حالی وارد رژیم یهود می‌شود که برای شان با خود خوراک و آذوقه و لوازم تقویه‌کننده حمل می‌کند، یک مثال زنده است. کشتی‌هایی که از دامیتا، شمال مصر بسوی رژیم دشمن و غاصب حرکت کرده و در رفت و برگشت خود حامل کالاها و آذوقه هستند، مثال دیگری است. این علاوه بر قرارداد گاز با رژیم یهود به عنوان حمایت اقتصادی از سوی نظامی است که ادعای فقر می‌کند و در ثروت مصر تفریط نموده و دارائی مردم را جمع می‌کند. دروغ‌گویی این رژیم رسوا را نیز نباید فراموش کرد که هر نوع تعصب با توافق نامه صلح با رژیم یهود مسخ را نپذیرفته و بر تثبیت و احترام به وی تأکید کرده و هماهنگی امنیتی با رژیم یهود را تاکنون متوقف نکرده است.

هدف حقیقی رژیم مصر از این یادداشت، سفیدنمایی نزد ارتش و مردمش می‌باشد و می‌خواهد تا آنان را با بوق‌های مطبوعاتی‌اش به توهم انداخته و چنین وانمود کند که این یک عمل مؤثر بوده و برای رژیم یهود دردناک است؛ به دلیل این‌که شاید کدام حرکتی از داخل ارتش غضبناک برای دریافت بخشش مردمی پیش قدم شود و سبب انفجار اوضاع شود که منافع غرب را تهدید کرده و برای مصر زمینه این را مساعد کند که از تبعیت غرب آزاد شود و در نهایت، وجود رژیم یهود را تهدید کند. بنابر این، این یادداشت در حقیقت، علاقه‌مندی به رژیم یهود و دفاع از آن می‌باشد.

اکنون تحرک واقعی و لازم و تحرکی است که نتیجه خواهد داد: قبل از همه، ارتش‌ها برای ریشه‌کن نمودن این حکام اضرار و نظام‌های شان که میان آنان و میان آزادسازی فلسطین و نصرت مردم آن حائل شده اند، حرکت کنند و دولت خلافت را شده بر منهج نبوت را که احکام اسلام را تطبیق و آن را توسط دعوت و جهاد به عنوان پیام هدایت و نور به جهان حمل می‌کند، تأسیس کنند؛ دولتی که از نخستین روزش به متحد ساختن سرزمین‌های اسلامی و وحدت بخشیدن ارتش‌هایش اعلام کرده و برای آزادسازی کامل سرزمین فلسطین و نصرت مردم آن نفییرعام اعلام کرده و تمام این ارتش‌ها را بدون تأخیر به سمت آن فرماندهی می‌کند و در آن هنگام، ساعاتی نخواهد گذشت که تمام سرزمین مبارکه و مقدساتش را بازپس می‌گیریم! بعد از آن‌که این رژیم به چنگال اسلام گیرافتاد، غرب از حمایت آن دست خواهد کشید؛ به دلیل اینکه در آن هنگام خواهد دانست که وی را توانایی رویارویی با امت و دولتش و توان رویارویی با ارتش‌های عقاب آن در کار نیست. این تنها راه حل مثمر بوده و هیچ راهی غیر از این در کار نیست.

پروردگارا! برای ما انصاری آماده ساز که به ریشه‌کن نمودن این نظام‌ها و برگشتاندن نیروی امت و برگشتاندن دوباره دولت آن، دولت خلافت را شده بر منهج نبوت با یکدیگر بیعت کنند.

﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَأُ وَنَصَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ﴾ [انفال:

[74]

ترجمه: بی‌گمان کسانی که ایمان آورده‌اند، مهاجرت کرده‌اند، در راه الله جهاد نموده‌اند و هم‌چنین کسانی که پناه داده‌اند و یاری کرده‌اند (هر دو گروه) آنان مؤمنان حق و با ایمانند (و شایسته‌ی واژه مهاجر و انصارند و تار و پود جاودانه‌ی پرچم اسلامند و) برای آنان آمرزش (گناهان از سوی الله منان) و روزی شایسته (در بهشت جاویدان) است.

برگرفته از شمار 484 جریده الرايه

نویسنده: استاد سعید فضل

مترجم: محمد مزمل